

خصائص انبیاء از نگاه قرآن و سوره یاسین

حسن پویا

چکیده

سوره شریف یاسین، به عنوان قلب قرآن، سرشار از آموزه‌های روحانی و معنوی فراوانی است که سبب شده، این سوره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد. بررسی موضوعات مختلف در هریک از آیات سوره یاسین گامی است که در این مجموعه برداشته شده است.

این مقاله با نگاهی به آیه ۲۱ این سوره؛ که یکی از خصوصیات مهم پیامبران را بیان داشته است، در پی بازگویی گوشه‌ای از خصائص انبیا در قرآن کریم است از این گرچه پیش از این، با توجه به آیات قرآن، درباره پیامبران و برخی خصوصیات آنان سخن فراوان گفته شده است. البته پرداختن به همه آنچه قرآن عظیم درباره پیامبران بیان داشته فرصتی بسیار بیش از اینها می‌طلبد که باید در جای خود در این باره نوشته شود. کلید واژه‌ها: انبیاء، خصوصیات پیامبران، رسالت و اهداف آنان.

مقدمه

قرآن کریم، درباره انبیای الهی در آیه‌های مختلف سخن گفته، و از آنان یاد کرده است. گرچه قرآن کتاب تاریخ و قصه و داستان نیست و لکن به تناسب و با هدف خاص خود، که رساندن انسان به کمال انسانی و هدایت است، از انبیا و آنچه برای آنان در طول

تاریخ پیش آمده سخن گفته است .

گاه از خصوصیات و صفات برجسته آنان سخن گفته ، و گاه از آنچه مردم و قوم آنان بر آنها روا داشته اند ، نقل کرده ، در جای دیگر از معجزات و فعالیت های آنان حرف زده ، و یا به خصوصیات عصر و زمان آنها پرداخته است . مهم آن است که همه آنچه قرآن درباره پیامبران آورده ، به هدف عبرت آموزی و پندگیری بوده ، که در برخی موارد به برخی جزئیات نیز اشاره کرده است .

آنچه در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت ، با توجه به آیه ۲۱ سوره مبارک یاسین است ، که می فرماید : «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ» . از این رو به اوصافی اشاره می کنیم که قرآن برای انبیای الهی برشمرده و آنها را برجسته کرده است .

این موضوع خود نشانگر اهمیت پیامبران یاد شده و اوصاف آنان است ، زیرا پیامبران الهی ، به عنوان سفیران آسمانی قطعاً برجستگی های فراوانی داشته اند که در برخی آیات مثل آیه یاد شده به صورت کلی آمده است . البته برجسته شدن برخی اوصاف پیامبران نیز به تناسب موقعیت و زمان و عصری است که آنان در آن قرار گرفته و یا موقعیت مکانی است ، که پیامبران در آن زیسته اند .

خصوصیات همگانی پیامبران

با بررسی آیات قرآن کریم و آنچه در آن ، درباره رسالت پیامبران بیان شده است . برخی از خصائص آنان به دست می آید ، که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱ . ابلاغ رسالت و ترس از خدا

«الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (الأحزاب ، ۳۹/۳۳) ؛ (پیامبران) همان کسانی که پیام های خداوند را می رسانند ، و از او می ترسند ، و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند . و خدا برای حسابرسی بسنده است .

در این آیه شریفه خداوند متعال به چند خصوصیت از خصائص برجسته پیامبران الهی اشاره می کند . رسالتی که پیامبران بر دوش دارند با توجه به برخورد با مردم ، از جنبه های مختلفی قابل بحث و بررسی است .

اول این که آنان ابلاغ کننده رسالت الهی هستند. یعنی پیامبران وظیفه شان ابلاغ و رساندن پیام به مخاطبان و همگان است. دیگر این که در راه ابلاغ رسالت، تنها ترس از خداوند دارند که مبادا در راه انجام این وظیفه بزرگ کوتاهی کرده باشند و آن را به تمام و کمال به انجام نرسانند و یا در راه بیان رسالت دچار تردید و خستگی شوند. و سوم این که در این راه پرمخاطره از هیچ کس غیر خدا ترسی ندارند.

بنابراین در راه ابلاغ رسالت تنها نگاه آنان به انجام وظیفه است و چون خدای را پشتیبان و تکیه گاه خود قرار داده اند و به او و رسالت خویش ایمان دارند، در این راه هیچ ترسی و هراسی از غیر خدا در دل راه نمی دهند.

از آنجا که ترس، همسان و همزاد مرگ است و پیامبران خود زنده و زنده کننده بشریت می باشند، و همواره به ابدیت می اندیشند. و زندگی را در حیات جاودانه و ابدی می بینند، از این رو ترس از مرگ و کشته شدن که فرجام همه تهدیدها و دشمنی هاست، ندارند و آن کس که ترسی از مرگ به دل راه ندهد از هیچ کس غیر خدا نیز هراسی نخواهد داشت.

در آخر آیه یاد شده نیز به این نکته اشاره می کند که خداوند در حسابرسی کافی است. این نکته با توجه به نهرا سیدن پیامبران از دیگران و ایستادگی در برابر آنان، معنی و مفهوم خاصی پیدا می کند. زیرا با این اندیشه، آنان نیازمند توجه و حساب و کتاب دیگران نیستند و خدای را در این باره کافی می دانند و تنها به آن بسنده می کنند. و همیشه خود را پاسخ گوی خدای عالم می دانند و هرگز وام دار دیگران و در نتیجه پاسخگویی آنان نیستند.

۲. هدایتگری به نیکوترین ها

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (الأنبياء، ۷۳/۲۱)؛ و آنان را (پیامبران) پیشوایانی کردیم که به فرمان ما راهبری و هدایت می کردند، و به آنها انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم، و آن پرستندگان ما بودند.

در آیه یاد شده نیز خصوصیات و اوصاف دیگری برای پیامبران بیان شده که نشانگر رسالت بزرگ آنان است.

موارد چندی است که در آیه، در ارتباط با بیان خصوصیات پیامبران به آنها پرداخته

شده، از جمله: پیامبران، امام و مقتدا و پیشوای مردم هستند، پیشوایانی که به فرمان الهی گوش فرا می دهند و با فرمان الهی هدایتگر مردمند.

دیگر این که ما کارهای نیک و خیرات را به آنان وحی کردیم. شناخت کار خیر و نیک از بدی ها و زشتی ها، مرحله نخستین در رسیدن به اهداف بلند است. تجربه بشری نشان داده است که آنان که به گمراهی، خطا و لغزش دچار می شوند، غالباً به جهت شناخت نادرستی است که از کارها و امور دارند و دائماً در حال آزمون و خطا هستند و آنقدر باید تجربه کنند تا به مرحله ای از شناخت صحیح برسند. اما درباره انبیای الهی چنانکه در این آیه آمده، فعالیت های نیک از جانب خداوند به آنان الهام می شود تا به نیک ترین امور هدایت شوند.

برپایی نماز و دادن زکات نیز که دو مسأله مهم در ارتباط خلق با خالق و خلق با خلق است، در پی آن مطرح شده است. برپایی نماز برای ارتباط معنوی و روحانی انسان با خداوند و خالق انسان، و پرداخت زکات برای توجه به مردم ستمدیده و بیچارگان و درماندگان جامعه است، که خود نیز راهی به سوی خالق جهان باز می کند. جالب است که هر جا در قرآن کریم سخن از نماز به میان آمده، از زکات نیز یاد شده، زیرا این دو مکمل یکدیگرند. ادعای انسان الهی بودن با بی توجهی به مردم و مخلوقات جهان بی معنی است، انسان آن زمان جلوه ای از جلوه های خدایی در او بروز می کند که به خلق خدا توجه داشته باشد. خصوصیت مهم دیگری که در این آیه برای پیامبران بیان شده، کُنش آنان به پیشگاه الهی است. نکته ای که نشانگر توجه آنان به خدای عالم و بریدن از غیر اوست. همان موضوعی که در آیه ۲۱ سوره یاسین - که این بحث الهام گرفته از آن است - اشاره شده است. نکته ای که درباره همه پیامبران مورد توجه قرآن قرار گرفته و آن را درباره پیامبر اسلام بارها تکرار کرده است: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء، ۲۶/ ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰).

در آیه ۲۱ سوره یاسین می خوانیم: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ از کسانی که از شما پاداشی نمی خواهند و خود رهیافته اند، پیروی کنید. آری پیامبران، تنها مدیون خداوند هستند و در پیشگاه او به عبادت می ایستند و سر تعظیم و بندگی می ساینند و به هیچ کس و هیچ قدرتی خود را وام دار نمی دانند.

۳. نصیحت گری

«أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (الأعراف، ۶۲/۷)؛ من پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی می‌کنم و از سوی خداوند چیزهایی می‌دانم، که شما نمی‌دانید.

قرآن کریم آنگاه که در این سوره اشاره‌ای به رسالت حضرت نوح می‌کند، برای وی خصوصیتی را بیان می‌کند که حکایت حال همه پیامبران است.

اول این که من پیام‌های خدایم را ابلاغ می‌کنم و به شما می‌رسانم، که در آیه اول نیز مورد توجه قرار گرفت و توضیحاتی در این باره ارائه گردید.

نکته دیگر در این آیه ناصح بودن پیامبران است. خیرخواهی، نصیحت و پنددهی از اوصاف انسان‌های والایی است که برای نجات انسانیت به پا خواسته‌اند و تلاش آنان برای نجات انسان است. اینان خیرخواه انسان و انسانیت هستند و در راه هدایت آنان و رساندن انسان به مقصد نهایی از هیچ کوشش و پند و اندرزی دریغ نمی‌ورزند.

آخرین نکته‌ای که در این آیه از خصائص پیامبران بیان شده، علم و شناخت آنان از طرف خداوند و آنچه انسان‌های دیگر نمی‌دانند، می‌باشد. از این رو در این آیه به صراحت آمده، که «أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ چیزهایی از جانب خداوند می‌دانند که سایر مردم نمی‌دانند، و این یکی از خصوصیتی است که پیامبران را در برابر سایر مردم ممتاز کرده و به آنان جایگاهی بلند بخشیده است. خصوصیت علم و معرفت از اقیانوس بی‌پایان علام الغیوب، که به هر کسی عنایت نخواهد شد. این علم است که چراغ هدایتگری و عقلانیت را در دستان پیامبران قرار داده و موجب درخشندگی آنان و توجه مردم به سوی آنها شده است. دلایل روشن و بیناتی هم که پیامبران ادعای آن را دارند، چون از علم الهی سرچشمه می‌گیرند، برای مردم روشن و روشنی آفرین است.

۴. فراگیری و بشارت و انداز

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبياء، ۱۰۷/۲۱)؛ تو را نفرستادیم جز رحمتی برای جهانیان.

آنچه اساس جهانی بودن رسالت رسولان اولوالعزم را نشان می‌دهد، توجه آنان به همه

انسان‌ها است، که در این آیه مبارک می‌فرماید: ما تو را برای همهٔ جهانیان رحمت قرار دادیم. یعنی برای انسانیت رحمت هستی، برای همهٔ انسان‌ها تو رحمتی، و این از خصلت‌های بزرگ پیامبری است، که دایرهٔ رسالتش برای همهٔ جهانیان است و او تنها به انسان می‌اندیشد و وسعت فراگیر رحمت او همگانی می‌باشد. و درد و سوز آنان از جدا شدن انسان‌ها از حقیقت و جایگاه واقعی آنان است. از این رو است که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا، ۲۸/۳۴)؛ تو را نفرستادیم مگر برای همهٔ مردمان جهان، پیامبری بشارت‌دهنده و انذارکننده، لکن بیشترین مردمان نادانند.

آری جهانی بودن رسالت برای همگان و همهٔ مردمان، در حالی است که بیشترین آنان از این مسأله غافل هستند و این پیامبر را نمی‌شناسند. رحمت او، اخلاق او، مهربانی او، خصلت‌های انسانی و همگانی او، همه مورد غفلت است.

دو صفت دیگر پیامبران، بشارت و انذار است. بشارت به نیکی‌ها، خوبی‌ها، بهشت و جایگاه بهشتیان و انسان‌های وارسته و ستم‌دیده هر جامعه. و انذار و بیم‌دهنده به عاقبت کارها، ترساننده از ظلم و جور و ستم، انذاردهنده به عذاب عظیم الهی، که در پی اعمال ناشایست انسان‌ها می‌آید. زیرا پیامبران شاهدند و خوانندهٔ به سوی خدای عالم، چنان‌که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (الأحزاب، ۴۵/۳۳ - ۴۶)؛ ای پیامبر، ما تو را گواه و نوید بخش و بیم‌دهنده فرستاده‌ایم. و فراخواننده به خداوند، به اذن وی، و چراغی فروزان.

در این آیه، پیامبران علاوه بر بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودن، شاهد و گواه‌اند بر آنچه بر مردمان می‌گذرد و بر همه اعمال آنان و نیز آنان هرگز به سوی خویش دعوت نمی‌کنند و دعوتگر به حق و خدا، به فرمان اویند. پیامبران هرگز خودخواهی و خودبینی ندارند، آنان داعیان به سوی خدای عالم هستند. و در آخر این‌که «سراج منیرند» چراغی فروزان، پرتوافکن و نورافشانی‌کننده می‌باشند. خاصیت چراغ، سوختن و روشنی بخشیدن است. پیامبران مشعل‌های فروزان بشریت هستند که دائماً در حال سوختن و نورافشانی می‌باشند. همه وجود آنان نور و عقل است و نور جز روشنی بخشی نخواهد داشت.

۵. سازندگی و نشر دانش

«رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (البقرة، ۱۲۹/۲)؛ پروردگارا! در میان آنان از خودشان پیامبری را که آیه هایت را برای آنها می خواند و به آنان کتاب و فرزاندگی می آموزد، و به آنها پاکیزی می بخشد، برانگیز! بی گمان تویی که پرورزند فرزانه ای.

حضرت ابراهیم خلیل (ع) پرچمدار توحید و اطاعت، پس از برپا ساختن پایه های بیت الله دعاهایی در پیشگاه صاحب بیت عرضه می دارد. از جمله دعایی که در آیه یاد شده از زبان او نقل گردیده و در آن خصائص مهمی برای پیامبری درخواست شده، که پیامبران آسمانی را از سایر مدعیان جدا می سازد.

رسول و فرستاده ای از میان خود مردم و نه از خارج آنان، که او تلاوت کننده آیات و نشانه های تو است. دیگر خصوصیت آن پیامبر، تعلیم دهنده کتاب و حکمت است، نه خرافات و رفتارهای غیرحکیمانه و غیرانسانی، که باعث دوری مردم از دین خدا می گردد. چنانکه در کلامی بلند، پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «بالتعلیم أرسلت»^۱؛ مرا فرستاده اند تا معلم باشم، من تعلیم دهنده هستم.

معلمی که علاوه بر تعلیم کتاب و حکمت، پاکیزه سازی از اهداف و خصوصیات اوست. من پیرایش دهنده جان ها هستم و به انسان ها پاکیزگی می بخشم. جان و روان تن انسان ها را پاک و پاکیزه از هر آلودگی می گرداند. آنان را صفای جان و باطن می بخشد. و انسان های بی هیچ کینه، غضب و حسادت و سایر خصلت های غیرانسانی تحویل جامعه می دهند، تا معتقدان به خدا، جامعه ای فرازمند و انسانی داشته باشند، نه جامعه ای پر از دروغ و ریا، کینه و حسد، دشمنی و عداوت، بلکه جامعه صاف و زلال، که مردم در آن احساس آرامش داشته باشند و امنیت و سلامت بزرگترین ارمغان آن باشد زیرا پیامبر رحمت و مهربانی فرمود: «نعمتان مجهولتان الأمن والعافية»^۲؛ دو نعمت ناشناخته اند: امنیت و سلامتی.

چرا پیامبران با این خصوصیات برانگیخته می شوند و چرا حضرت ابراهیم (ع)، از خداوند بزرگ رسولانی با این خصوصیات و اوصاف را می خواهد، زیرا از طرف خداوند فرزانه و پرورزند آمده است. خداوند عزت و حکمت، خداوندی که وجود او عزیز و کار او

حکیمانه است و مخلوق خود را، این گونه می پسندد.

این گونه است که قرآن با صدایی رسا و فریادی جهانی می گوید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (الجمعة، ۲/۶۲)؛ او است آن که فرستاده‌ای را در میان مردم ناخوانا و نانویس برانگیخت، تا آیات او را بر ایشان فرو خواند و افکار و کردارشان را پاکیزه سازد، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، هر چند از آن پیش در گمراهی آشکار فرو بودند.

خداوند دعای حضرت ابراهیم خلیل را اجابت کرد و آن گونه که او خواسته بود. پیامبرانی را با خصائص مورد درخواست او، به مردمان ارزانی داشت.

رسولی در میان مردم نانویسنده و ناخواننده، از میان خود آنان، تلاوت کننده آیات و نشان‌های خداوند باشد، و پاکیزه کننده و پرورش دهنده روح و جان آنان، که در این آیه به عنوان تقدّم آن بر تعلیم، جلوتر از تعلیم ذکر شده است.

کتاب و حکمت و فرزاندگی را به آنان بیاموزد و آنان را از ضلالت و ظلمت نجات بخشد و به سوی حقیقت و نور رهنمون سازد. و از آنان انسان‌هایی فرزانه و بزرگ تحویل دهد تا در طول تاریخ بشریت زبانزد مردم گردند.

امام علی (ع) در ترسیم روزگار پیامبران خدا و ترسیم چهره مردمان آن روزگاران می فرماید: «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا وَاتْرَأَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِنْ مِيثَاقِ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرَهُمْ مِنْ مَنَسَى نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجِّجُوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيُشِيرُوا لَهُمْ دِفَاتِنَ الْعُقُولِ وَيُرْوَهُمُ الْآيَاتَ الْمَقْدَرَةَ»^۳؛ چنین بود که خداوند فرستادگان خود را در میان آنان برانگیخته خواست. و پیامبران خویش را پی در پی به سوی شان گسیل داشت. تا میثاق فطرت توحیدی را از آنان بازجویند و نعمت‌های از یاد رفته خداوندی را فرا یادشان آرند و با تبلیغ حقایق توحیدی، احتجاج کنند و خرده‌های به گور خفته را رستاخیزی فراهم آرند و آیه‌های سنجیده‌ای را در خداشناسی برای آنان به نمایش گذارند.

توجه به تعبیرات امام علی (ع)، در بیان چگونگی مردمان روزگار پیامبران و تأثیر حرکت عظیم آنان در نجات انسان‌ها از جهالت، و بیداری عقول و خرده‌های خفته و به بند کشیده آنان، راه‌گشای شناخت زمانه آنان است.

از خصوصیات مهم پیامبران، بازخواهی میثاق فطری انسان‌ها و یادآوری آن میثاق با

خداوند است. تبلیغ و بیان حقایق یکتاپرستی از دیگر اهداف و خصائص پیامبران است. و مهم‌تر از همه بیداری خردها و عقول خفته و به خاک نشسته و دفن شده در زیر هزاران هزار خرافه و جهل است. واداشتن انسان‌ها به تعقل و تفکر و در نتیجه بیداری آنها و نجات از جهالت که بزرگترین حربه مورد استفاده ستمگران و ظالمان تاریخ است. و در نهایت، آیه‌ها و نشانه‌های خداشناسی را برای آنان به نمایش بگذارند، تا آنان در پی نشان‌های جهل و جهالت نروند و سودجویان و مستکبران نتوانند از آنان بهره‌کشی کنند، زیرا انسان بیدار هرگز تن زیر بار ستم و جور، خم نمی‌کند و خود را وسیله سودجویی و خودکامگی دیگران قرار نمی‌دهد.

۶. نجات از تاریکی به سوی نور

«قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا*رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُمِيتَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (الطلاق، ۱۰/۶۵-۱۱)؛ خداوند برای شما یاد کردی فرستاده است؛ پیامبری که بر شما آیات روشنگر خداوند را می‌خواند تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به سوی روشنایی، از تیرگی‌ها بیرون آورد...

یکی دیگر از خصائص انبیاء الهی، که در راستای نجات انسان و رساندن به مقصد نهایی است، رهایی او از تاریکی‌ها و هدایتش به سوی نور و روشنایی است، که در این آیه و برخی آیات دیگر به آن تصریح کرده است.

خداوند در ابتدا می‌فرماید: ما یاد کردی و یادآوری کننده‌ای به سوی شما فرستادیم پیامبری را که آیات روشن الهی را بر شما بخواند. آیات روشن و روشنی بخشی که خود باعث نجات انسان از تاریکی جهل و خرافه و جهالت است. این کار برای خارج کردن شما که ایمان آورده‌اید، خود باعث نجات انسان از تاریکی جهل و خرافه و جهالت است. این کار برای خارج کردن شما که ایمان آورده‌اید از ظلمات و تاریکی‌های فراوانی است که اطراف شما فرا گرفته است. تاریکی جهل، تاریکی خرافه پرستی، تاریکی قومیت و تعصب‌های ناروا، تاریکی عقاید سست و بی‌بنیان، تاریکی بندگی و بردگی غیرخدا و همه آنچه شما را در بند کشیده است، به سوی روشنایی آیات روشن الهی، خداپرستی، نجات از ظلمت و همه آنچه که انسان را در قید و بند خود قرار داده رهایی می‌بخشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «...بعثه و الناس ضلال فی حیره، و حاطبون فی فتنه، قد استهوتهم الأهواء، و استزلتہم الکبرياء، و استخفتہم الجاهلیة الجہلاء؛ حیارى فی زلزال من الامر، و بلاء من الجهل»^۴؛ خداوند پیامبر را در زمانی مبعوث کرد که مردمان در گمراهی و سرگردانی به سر می‌بردند، و در فتنه فرو افتاده، راه، از بیراهه باز نمی‌شناختند. هواها و هوس‌ها آنان را فریفته، و گردنکشی ایشان را لغزانیده، و جاهلیت آکنده از نادانی به سبک سری و ادارشان کرده بود، چنان‌که همه در حیرتی تزلزل‌آور و جهلی‌بلانگیز زندگی می‌کردند.

ترسیم چهره دوران بعثت پیامبر اسلام (ص)، توسط امیرمؤمنان علی (ع)، نشانگر دوران جهالت و ظلمت، مردمان دارد و نیز بازگوکننده تلاش بسیار و سخت و جان‌فروسی پیامبر اکرم (ص) است، که آنان را چگونه نجات بخشید و مسلمانان را بر بسیاری از عالمیان برتری بخشید تا عزتمند و فرازمند، پرچم عزت و اسلام را برافراشتند.

۷. واداشتن مردم به عدالت و برابری

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحديد، ۲۵/۵۷)؛ ما پیامبرانمان را با برهان‌های روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند....

خداوند متعال در این آیه، برای فرستادگان خود خصوصیات رایجی را بیان می‌دارد از جمله می‌فرماید: آنان با نشانه‌ها و براهین روشن آمده‌اند. پیچیده‌گویی، نامفهوم صحبت کردن، سخت و غیرمفهوم بیان کردن، سردرگم کردن مردم و اما و اگرهای گوناگون، از خصائص پیامبران نیست، بلکه آنان به زبان مردم سخن می‌گویند، آن‌گونه که همه آنان به راحتی سخن پیامبران را می‌فهمند و درک می‌کنند. از این رو می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴/۱۴)؛ و هیچ پیامبری را مگر به زبان قومش نفرستادیم، تا (پیامش را) به روشنی برای آنان بیان کند. علاوه بر این، همراه آنان کتاب و میزان فرستادیم. دو چیز که آنان در همه حال به آن نیازمندند. کتاب برای مراجعه و رفع مسائل و مشکلات، و شناخت حق و باطل و میزان برای سنجش، رسیدن به معیار و ملاک درست و روشن، این همه را قرآن برای قیام مردم به قسط بیان می‌کند «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

آن گاه که در دست مردم نشان‌های روشن و واضح و آشکار وجود دارد. همراه آنان کتاب و میزان هم ارائه شده، دیگر بهانه‌ای برای بی‌عدالتی و نابرابری وجود ندارد. نکته‌ای که قابل تأمل و توجه است اینست که رسولان و فرستادگان الهی با این ابراز می‌آیند تا مردم خود به عدالت قیام کنند و برای عدالت خواهی و عدالت پروری خود گام بردارند و جامعه را به سوی آن سوق دهند، زیرا آنگاه که رهبران جامعه دلایل روشنی برای سخنان خود نداشته باشند و میزانی برای سنجش وجود نداشته باشد و مردم دائم با پیچیده‌گویی و ناراستی مواجه باشند، این جامعه به صلاح و سداد نخواهد رسید.

۸. توجه به معیشت مردم

«وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (الباقیة، ۱۶/۴۵)؛ و به راستی ما به بنی اسرائیل کتاب (آسمانی) و حکومت (داوری) و پیامبری دادیم و به آنان از چیزهای پاکیزه، روزی بخشیدیم و آنها را بر جهانیان (در زمان خودشان) برتری دادیم.

در پی اعطای پیامبری و رسالت، همراه کردن رسولان با کتاب و حکمت و داوری لازمه آن است. اما در این آیه و برخی آیات دیگر قرآن مانند آیه ۹۳ سوره یونس اضافه می‌کند که به زندگی و معیشت آنان نیز توجه کردیم و از پاکیزه‌ها و بهترین‌ها روزی شان کردیم. علاوه بر آن به آنان بدین سبب برتری دادیم.

حضور پیامبران در کنار مردم به ویژه بی‌توقعی آنان از مردم، و زندگی ساده آنان، در حد پایین‌ترین افراد جامعه، فضیلتی است که اختصاص به پیامبران الهی و اولیاء او دارد. چنان‌که درباره شعیب می‌فرماید: «إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ* إِيَّايَ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا* وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ* أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ* وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ* وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (الشعراء، ۱۷۷/۲۶-۱۸۳)؛ شعیب به آنان گفت: آیا پرهیزگاری نمی‌ورزید؟ من برای شما پیامبری امینم. پس، از خدا پروا کنید و از من فرمان برید. من از شما برای این (پیامبری) پاداشت نمی‌خواهم، پاداش من جز با پروردگار جهانیان نیست. پیمان‌ها را واقعا بپیمایید و از کم‌فروشان نباشید. و با ترازوی درست، وزن کنید. و چیزهای مردم را به آنان

کم ندهید و در زمین تبهکارانه آشوب نورزید .

در این آیه شعیب به عنوان پیامبری از پیامبران الهی ، خطاب به مردم می گوید : من برای شما فرستاده و پیامبری امین هستم . پس اطاعت خدا را بنماید . دیگر اینکه من که از شما اجر و مزدی نمی خواهم . زیرا پاداش من بر پروردگار عالمیان است و من برای گرفتن دستمزد از شما ، تلاش نمی کنم .

شما را سفارش می کنم به عدالت و وفای به پیمان ، نه کم فروشی و خیانت مردم . عدالت ورزید تا با شما عدالت کنند ، خیانت نکنید تا مورد خیانت قرار نگیرید . همگان با یکدیگر در وزن و پیمان گیری ، حق را در نظر بگیرد تا از کم فروشان نباشید .

ای مردمان ، با ترازوی درست و میزان صحیح ، وزن کنید . هر چیز را با میزان خودش بسنجید و سنجیده برخورد نماید . و آنچه در دست مردم است کم ارزش و کم بها نکنید . سرکوب کردن و سرکوفت زدن به دیگران از اخلاق انسانی به دور است . آنچه در دست دیگران است ، همچون آنچه خویش دارید ، سزاوار ارجمندی و احترام است . مردم و آنچه را آنان دارند با کرامت و باارزش بدانید .

و نصیحت آخر شعیب در این آیه این است که : در زمین همچون تبهکاران ، ظالمان ، گردنکشان ، مستکبران و بی دادگران ، تبهکاری و گردنکشی و ظلم و خیانت نکنید .

آنچه در این آیه و آیه ۸۴ و ۸۵ سوره هود از زبان شعیب پیامبر بیان می شود از خصائص همه پیامبران الهی است و سفارش همه آنان به مردم است که ما پیامبران امین الهی هستیم و در کنار و همراه شما می باشیم . ما به سوی خدا دعوت می کنیم و شما را به بندگی «رب العالمین» می خوانیم . خصلت بزرگ و ارزشمند دیگر ما اینست که به دنبال دنیا و مال دنیا نیستیم و هرگز پاداشی از شما نمی خواهیم و طمعی هم به اموال شما نداریم .

این خصوصیات در ذات انبیا نهفته است و اختصاص به پیامبری غیر از پیامبری ندارد . روش و منش همه آنان این گونه است چنان که صادق آل محمد (ص) از زبان جد گرامی اش پیامبر خدا می فرماید : «عن الصادق (ع) : «قال رسول الله (ص) : لم نبعث لجمع المال ، ولكن بعثنا لإنفاقه»^۵؛ ما پیامبران برای گردآوری مال مبعوث نگشتیم ، بلکه برای انفاق کردن آن مبعوث شدیم .

کلام پیامبرانه رسول خدا (ص) که با صیغه جمع آمده است ، «ما» یعنی : همه پیامبران

خدا این گونه روش و منشی دارند. ما برای کمک به مردم و تهیدستان و فرودستان جامعه آمده ایم.

این گونه است که امیر کلام امیرمؤمنان علی (ع) در بیان خصوصیات پیامبر اسلام می فرماید: «لقد كان (ص) يأكل على الأرض، ويجلس جلسة العبيد، ويخفف بيده نعله، ويرقع بيده ثوبه، ويركب الحمار العاري ويردف خلفه، و... خرج من الدنيا خميصاً، وورد الآخرة سليماً، لم يصنع حجراً على حجر، حتى مضى لسبيله، وأجاب داعي ربه»^۶؛ پیامبر خدا (ص) بر زمین خوراک می خورد، و جامه اش را به دست خود وصله می زد و بر الاغ برهنه سوار می شد، و دیگری را نیز پشت سر خود سوار می کرد....

با شکم گرسنه از دنیا رفت و به آخرت، سالم و بی عیب وارد شد، سنگی بر سنگی نهاد، تا درگذشت و دعوت پروردگار خود را لیبیک گفت.

آنگاه که انسان ناباورانه این خصوصیات برجسته انسانی را می خواند، پی به عظمت و بزرگی رسولان الهی می برد، که چگونه در جان و قلب مردم جای گرفتند. همراهی و همدلی آنان با مردم و در کنار مردم، آنان را به رفعت و عظمت رساند و مصداق عملی این کلام آسمانی پیامبر اسلام (ص) گردیدند: «من تواضع لله رفعه الله و من تكبر خفضه الله»^۷؛ آن کس که برای خدا تواضع کند، خداوند به او بلندی می بخشد و آن کس که تکبر ورزد، خوار می گردد. و یا فرمود: «من تواضع لله شرفه الله على كثير من عباده»^۸؛ تواضع به انسان شرافت و بزرگی بر بسیاری از بندگان می بخشد.

از مصداق های دیگر این سخن رفتار سلیمان پیامبر (ع) است که با آن همه مکانت و مکنت، علی (ع) می فرماید: «كان سليمان إذا أصبح تصقح وجوه الأغنياء والأشراف، حتى يجتى إلى المساكين ويقعد معهم ويقول مسكين مع المساكين»^۹؛ سلیمان هر بامداد، در چهره ثروتمندان و اشراف خیره می شد، تا (از آنان می گذشت) به مسکینان می رسید و با آنان می نشست و می گفت: مسکینی با مسکین های دیگر.

سخن پایان

آنچه در این مقاله کوتاه، از آن به عنوان خصائص انبیا الهی یاد شد، بخشی کوچک و

کوتاه از خصوصیات الهی - انسانی آنان است، که خداوند بزرگ به آنان بخشیده است زیرا آنان با مردمی سرو کار دارند که همه مخلوق خدا و مورد محبت و عنایت او هستند و او دوست دارد، آن گونه با آنان رفتار شود که کرامت انسانی اقتضا می کند.

آنچه در این خصلت ها جلب توجه می کند، توجه به مردم و سایر انسان ها، رابطه پیامبران با مردم، عنایت خاص به برقرار ارتباط برای تحقق کامل دعوت الهی، همراهی و همدلی با آنان در جهت رضایت الهی و نیز جذب آنان به دین خدا و نکات دیگری که در آیات و روایات یاد شده به تفصیل بیان شده بود.^{۱۰}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. الحیاة، ۵۳/۲، به نقل از منیة المرید/۱۶.
۲. روضة الواعظین/۴۷۲.
۳. نهج البلاغه/خطبه اول.
۴. الحیاة، ۵۵/۲، به نقل از نهج البلاغه/خطبه ۹۴.
۵. همان/۶۱، به نقل از مشکاة الانوار/۱۸۳.
۶. همان/۷۱، به نقل از نهج البلاغه/۵۰۹.
۷. کافی، ۱۲۲/۲.
۸. مصباح الشریعه/۷۲.
۹. همان/۷۶، به نقل از بحار الانوار، ۸۳/۲۴.
۱۰. در ترجمه آیات قرآن کریم از کتاب الحیاة و یا ترجمه دکتر سید علی موسوی گرمارودی، و در ترجمه روایات، در برخی موارد از کتاب الحیاة یا ترجمه نهج البلاغه آقای عبدالمجید معادیخواه بهره برده شده است.